

ایزد مهر

تائیا شبرنگ

مهر، یکی از ایزدان هندو ایرانی است که حامی پیمان است. نام او در هند معنای «دوست» دارد و در اوستا به معنای «پیمان» و در فارسی به معنای دوستی و خورشید است.^۱

این ایزد در نزد هند و ایرانیان بسیار کهن، مظهر پیمان و دوستی میان افراد قبیله بوده است.

سرودی که به این ایزد اختصاص دارد، مهریشت نامیده می‌شود. این ایزد حامی جهان نباتی - حیوانی و حامی کشاورزان است. مهم‌ترین لقب او «دارای چراگاه‌های فراخ» است.^۲ اهورامزدا به زرتشت گفت که مهر را به گونه‌ای آفریده که همانند خودش قابل ستایش و قابل نیایش باشد. (بند ۱ مهریشت)، وظیفه‌ی اصلی این ایزد نظارت بر پیمان‌هاست و به همراه دو ایزد دیگر، سروش و رشن، اعمال مردمان را پس از مرگ می‌سنجند.

در هند دوران ودایی نام او به صورت میتره آمده که این ایزد به احتمالی پیش زرتشتی است ولی در دین زرتشت در رده‌ی پایین‌تر از اهورامزدا قرار دارد. او بر تمام پیمان‌ها نظارت دارد حتا پیمان میان اهورامزدا و اهریمن را نیز می‌پاید، پیمان میان انسان‌ها، یا پیمان میان دو کشور.^۳ «مبادا که مهر (= پیمان) را بشکنی ای زرتشت نه آن پیمانی را که با دروند می‌بندی نه آن پیمانی را که با مرد مقدس بهدین ببندی»^۴ (بند ۲ مهریشت)، او با هر که پیمان را بشکند دشمنی می‌کند و در این صورت به خدای جنگ تبدیل می‌شود، «مهر به‌خشم آمده، مهر رنجیده به آن سمت روی می‌آورد که در آن‌جا از میان جهت‌ها،

۱. جستاری چند در فرهنگ ایران، دکتر مهرداد بهار ص ۱۶۵

۲. جستاری چند در فرهنگ ایران، دکتر مهرداد بهار ص ۱۶۷

۳. تاریخ اساطیری ایران، دکتر ژاله آموزگار ص ۱۸

۴. ترجمه یشت‌ها، دکتر منشی‌زاده

پیمان شکن (باشد) و به هیچ وجه در اندیشه‌ی خود صبر و تحمل نمی‌کند» (بند ۱۹ - مهر یشت)، و «اسبان، پیمان شکنان سرکش می‌شوند تا زان هستند اما دور نمی‌شوند، سواری می‌دهند اما رساننده نیستند روان هستند (= حرکت می‌کنند) ولی خشنود نیستند. نیزه‌ای که ضد مهر پرتاب می‌کنند به عقب برمی‌گردد» (بند ۲۰ مهریشت)، سپاهیان در ایران باستان پیش از رفتن به جنگ با کشورهای ضد مهر بر بالای اسبهایشان نیایش‌هایی به درگاه مهر انجام می‌دادند، و ریشه‌ی مهرپرستی (= میترائیسم) از همین جا در غرب شروع شد.^۱ «هر یک از این [دوکشور] او را نخست ستایش کند. از روی اعتقاد، مطابق با اندیشه و با دل صمیمی به همان طرف از این دو [کشور] مهر، دارنده‌ی چراگاه‌های فراخ توجه می‌کند همراه با یاد پیروزگر و همراه با دامویش او پهن» (بند ۹ مهر یشت)، او با پیمان شکنان یا مهر درو جان دشمنی سرسخت دارد ولی نسبت به وفاداران خود مهربان‌ترین است.

مهر همراه با خورشید از مشرق به مغرب می‌رود و بر پیمان‌ها نظارت دارد و برای بهتر انجام دادن چنین وظیفه‌ای صفت خدای همیشه بیدار را دارد.^۲ «مهر را می‌ستاییم که دارنده‌ی چراگاه‌های فراخ است، راست گفتار، خرس سخن، دارای هزار گوش، خوب ساخته شده، دارای ده هزار چشم، بلند، دارای نظر وسیع، نیرومند، بی خواب، بیدار» (مهر یشت بند ۷)، می‌بینیم که از صفات او «دارای ده هزار چشم» می‌باشد یعنی هیچ کس نمی‌تواند کارهای زشت خود را از او پنهان کند و او بر همه چیز نظارت دارد. تا کسی مهر دروجی (= پیمان شکنی) نکند.

در آیین‌های دینی، جشن مهرگان است که شانزدهمین رز از ماه مهر است و در سنت‌ها، آیین‌های شب چله (= یلدا) را با آیین‌های مربوطه به مهر ارتباط می‌دهند.^۳ سومین آتشکده‌ی مهم دوره‌ی ساسانیان، آذر سرزین مهر^۴ نام دارد که از آیین تولیدکنندگان کشاورز است. و در دوره‌ی ساسانیان دو خراسان جای داشته است. برزین مهر به معنای مهر بلند پایه است. و در این‌جا ارتباط مهر با دهقانان و تولیدکنندگان را می‌بینیم و هم چنین صفت معروف مهر، دارای چراگاه‌های فراخ که اهمیت مهر به عنوان

۱. تاریخ اساطیری ایران، دکتر ژاله آموزگار و دکتر احمد تقضلی ص ۱۸
۲. تاریخ اساطیری ایران، دکتر ژاله آموزگار و دکتر احمد تقضلی ص ۱۹
۳. تاریخ اساطیری ایران، ترجمه دکتر ژاله آموزگار احمد تقضلی ص ۱۹.

ایزد طبقه‌ی تولیدکنندگان و کشاورزان روشن می‌شود.^۱

مهر به سرزمین‌های آریایی اقامتگاه‌های خوب می‌دهد (با شکوهش، فره‌اش، با یسنای بلند با زوهرها باشد که بستایم، آن مهر دارنده‌ی چراگاه‌های فراخ را می‌ستاییم که اقامتگاه‌های آرامش‌بخش [که] اقامتگاه‌های خوب [می‌دهد] به کشورهای آریایی (مهریشت، بند ۴)، همان‌گونه که گفته شد مهر بر همه‌ی سرزمین‌ها نظارت دارد، از آن جمله نظارت او بر هفت کشور می‌باشد «مهر نیرومند نظارت دارد بر ارزه، سوه، فرودفش، ویدروفش، وروبرش، وروجرش و بر این اقلیم خونیرس بامی که اقامتگاه است برای گله و رمه جایگاه شفابخشی است برای گله رومه (۱) (مهریشت بند ۱۵) این ایزدمینوی از آن سوی البرز بالا می‌رود و به عنوان نخستین ایزد از او یاد شده است «کسی که (به‌عنوان نخستین ایزدمینوی از آن سوی البرز (هرا)^۲ بالا می‌رود، در پیش خورشید بی‌مرگ تیز اسب کسی که به‌عنوان نخستین [ایزد] فرا می‌گیرد قله‌های زیبای طلایی را و از آن‌جا آن نیرومندترین نظارت می‌کند بر همه‌ی سرزمین‌های آریایی» (بند ۱۳ مهریشت).

در کتیبه‌های دوره‌ی دوم هخامنشی، نام او به همراه اهورامزدا و آناهیتا می‌آید که تثلیثی نیرومند را می‌سازند که حافظ سلطنت است.^۳

مهرپرستی رومی با مهرپرستی ایرانی تفاوت‌هایی دارد، در مهرپرستی رومی به تقریب هیچ متنی وجود ندارد، بلکه صدها نقش برجسته در دست است، در حالی که در ایران تنها یک نقش برجسته ولی متن‌های بسیاری موجود است. پژوهش‌گران بر آنند که پیروان کیش مهر اعتقاد داشته‌اند که این خدانه به صورت کودک بلکه هم چون جوانی از صخره متولد می‌شود و خنجری با خود دارد که با آن روزی گاو نر را خواهد کشت و مشعل آتشی که نماد توری است که به جهان می‌آید. تعدادی از نقش برجسته‌ها مهر را سوار بر اسب که به شکار می‌رود و مار و شیری او را همراهی می‌کنند، نشان می‌دهند. پیش از این که مهر گاو را بکشد، باید او را بگیرد و این کار را بسیار دشوار می‌بیند، اغلب کشتن گاو به معنی عمل آفرینش تعبیر شده است.

به‌احتمالی پرستش این خدا از طریق ملتزمان بزرگان ایرانی در آسیای صغیر، ارمنستان، کاپادوکیه، کیلیکیه و پونتوس در غرب گسترش یافته است. و احتمال می‌دهند که در زمان

۱. پژوهش در اساطیر ایران، دکتر مهرداد بهار ص ۱۱۶

2. Hara

۳. پژوهشی در اساطیر ایران دکتر مهرداد بهار ص ۳۹۵

تیرداد، شاه ارمنستان از رم باشد وی در سال ۶۶ میلادی به رم رفت تا تاج شاهی را از نرون دریافت کند. تشریف یافتگان به کیش مهر به هفت مرتبه تقسیم می شدند: مرتبه‌ی اول که پایین‌ترین مرتبه است «کلاغ» نام دارد، اعضای این مرتبه ماسک کلاغ بر چهره داشتند. مرتبه‌ی دوم «عروس» بود و شخص تشریف یافته هم چون عروسی به ازدواج کیش مهر درمی آمد، مرتبه‌ی سوم «سرباز» بود برای تشریف به این مرتبه شخص باید برهنه و چشم بسته زانو زند. مرتبه‌ی چهارم «شیره» بود که دارندگان این مرتبه ماسک حیوانی را بر چهره می زدند و در نقش‌های برجسته‌ی دیگر تنها نیم تنه‌های قرمز مشخصی یا نوارهای ارغوانی بر تن دارند. مرتبه‌ی پنجم «پارسی» بود. داوطلب تشریف به مرتبه‌ی چهارم و پنجم با غسل تطهیر می شد. نمادهای مرتبه‌ی «پارسی» خوشه‌ی غله و داس است. زیرا دارنده‌ی چنین مرتبه‌ای را «نگهبان میوه» می نامیدند. مرتبه‌ی ششم «پیک خورشید» نام دارد و نمادهای آن تاجی است که دارای شعاع است، مشعل و تازیانه. مرتبه‌ی هفتم، «پدر» است، نماینده‌ی زمینی مهر است. صاحب این مرتبه در ضیافت همگانی در جایگاه این خدا قرار می گرفت و مسوولیت نظم و تعلیم مومنان برعهده‌ی او بود. حلقه و عصا دلالت بر نقش تعلیمی او دارد.^۱

ارتباط آیین زورخانه با آیین مهر، مراسم مهری اغلب در غارها انجام می یافت اما در شهرها این معبدها در زیرزمین بنا می شد. معبد به وسیله‌ی پلکانی به سطح زمین می رسید. بر دیوارهای معبد اغلب تصویرهای بسیار نقش شده بود. در آخر صحن، در محرابی، منظره‌ای از مهر در حال کشتن گاو وجود داشت. زورخانه‌های ما شباهت‌های بسیاری با این معابد مهری دارند. همیشه با پلکانی طولانی از زیرزمین به سطح خیابان می رسند. نمایند مهری در کنار یا نزدیک آب جاری ساخته می شد. دوزورخانه‌ی قدیمی شهرکاشان که یکی در محله‌ی میدان کهنه‌ی کاشان، در زیربنای خسینیه‌ی آن محل بنا شده است و در یک طرف آن آب انبار عمومی است و دیگری در محله‌ی پشت مشهد کاشان است که مدخل آن در راه پله‌ی آب انبار عمومی قرار دارد. نکته‌ی دیگر کشتی گرفتن و آداب آن است. بنا به افسانه‌های رومی درباره‌ی مهر، ایزدمهر، پس از زاده شدن بر آن شد تا نیروی خود را بستجد. به این روی، نخست با ایزد خورشید زورآزمایی کرد و کشتی گرفت. در این کشتی گرفتن، خورشید تاب نیروی مهر را نیارود و بر زمین افتاد. سپس مهر، او را یاری داد

۱. شناخت اساطیر ایران - ترجمه زاله آموزگار - احمد تفضلی ص ۱۲۷، ۱۲۱.

تا برخیزد. آن‌گاه دست راست خویش را به سوی خورشید دراز کرد. دو ایزد با یکدیگر دست دادند و این نشان بیعت خورشید با مهر بود. نکته‌ی اصلی در کار زورخانه کشتی گرفتن است و چون پهلوانی فرو افتد، همان آداب دست دادن را دو پهلوان به جای می‌آورند و با دست‌های چپ بازوهای راست یکدیگر را می‌گیرند و با دست‌های راست به یکدیگر دست می‌دهند و همان‌گونه که مهر و خورشید با هم پیمان دوستی بستند، دو کشتی‌گیر نیز هرگز با یکدیگر دشمنی نمی‌ورزند و اگر کینه‌ای پدید آید، باید یکدیگر را ببوسند و آشتی کنند و دوست بمانند. شباهت دیگر، سنت برهنگی است و استفاده از لنگ که برابر برگ انجیر مهررومی است و رسم دیگر زنگ زدن است.

مراتبی که در زورخانه‌ها وجود دارد، مانند کهنه سوار، مرشد، پیش‌کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج، نوچه و جز آن، ما را به یاد مراتب هفت‌گانه‌ی پیروان مهر می‌اندازند. در آداب پهلوانی آمده است که پهلوان باید دلیر، سحرخیز و دارای حسن خلق باشد. در مهریشت اوستایی آمده است که مهر دشمن دروغ است (بند ۲۶ مهریشت)، و نخستین ایزدی است که پیش از طلوع خورشید در بالای البرز برمی‌آمده است (بند ۱۳، مهریشت) و هم چنین شباهت‌های بسیار زیاد دیگری که امکان ذکر تمامی آن‌ها، در این جا مقدور نیست هرکس را می‌تواند به این اندیشه وادار که ممکن است آیین پهلوانی ملهم از آیین‌های مهری باشد.^۱

همانندی‌های شخصیت جمشید با مهر: بنا به مهریشت، مهر کاخی بر فراز کوه هرا، البرز، دارد، جایی که در آن نه شب هست و نه تاریکی، نه سرما و نه گرما، نه بیماری و نه مرگ. جمشید نیز «وره»، یا کاخی می‌سازد و در پادشاهی او نیز تاریکی، سرما، گرما و بیماری و مرگ نیست (وندیداد، بخش دوم)، جمشید در اوستا دارای سه فریای فره‌ای با سه جلوه است: «یکی که فردی خدایی - موبدی است که به مهر می‌رسد، فره‌ی شاهی به فریودن می‌پیوندد و فره‌ی پهلوانی و جنگاوری را گرشاسب به دست می‌آورد.

در آغاز بهار خورشید یا مهر به برج بره وارد می‌شود، و در واقع تجدید سلطنت و قدرت می‌کند. در برابر جشن نوروز جشن پیروزی و فرمانروایی و کامل جمشید است که در آغاز بهار فراز دارد.^۲

۱. جستاری چند در فرهنگ ایران، مهرداد بهار صص ۱۵۷، ۱۶۰.

۲. پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار صص ۲۲۶-۲۲۷.

چه مایه بدو گوهر اندر شناخت	به فرکیانی یکی تخت ساخت
ز هامون به گردون برافراستی	که چون خواستی دیو برداشتی
نشسته بر او شاه فرمان روا	چو خورشید تابان میان هوا
شگفتی فرومانده از بخت او	جهان انجمن شد بر تخت او
مر آن روز را روز نو خواندند	به جمشید بر گوهر افشاندند
بر آسوده از رنج روی زمین	سه سال نو هرمرز و فرودین
می و جام و رامشگران خواستند	بزرگان به شادی بیاراستند

چنین جشن فرخ از آن روزگار

به ما ماند از آن خسروان یادگار^۱

با وجود استوره‌های مختلفی که درباره‌ی این ایزدگفته شد امروزه در دین زرتشتی مورد توجه همگان قرار دارد و در روزهای جشن، آتش و شمع روشن می‌کنند و نثارهای کوچکی تقدیم می‌دارند.

منابع

(الف) فارسی

۱. آموزگار، ژاله؛ تاریخ اساطیری ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۴.
۲. احمدعلی رجایی بخارایی؛ به کوشش کتابیون مزداپور - برگزیده‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
۳. ترجمه‌ی فضل‌ی احمد، به کوشش آموزگار ژاله، مینوی خرد، تهران: توس، ۱۳۷۹.
۴. بهار، مهرداد؛ جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: انتشارات فکر روز، زمستان ۷۳.
۵. بهار، مهرداد؛ پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات آگاه.
۶. هینلز، جان؛ ترجمه‌ی آموزگار، ژاله؛ فضل‌ی، احمد؛ شناخت اساطیر ایران.

(ب) لاتین

1. Jackson A.V. Williams; An Avesta Grammar; Stuttgart W.Kohlhammer 1892.
2. Reichelt Hans; Avesta Reader 1911.